



جایگاه بارگاه رضوی در منازعات سیاسی مذهبی میان

صفویان و ازبکان در عصر اول حکومت صفوی (۹۰۷ - ۱۰۳۸ ق)

دریافت: ۱۳۹۸/۳/۱۰ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۳۰

رضادریگوندی^۱، شکرالله خاگرد^۲

چکیده

پایه‌گذاری حکومت صفوی توسط شاه اسماعیل در سال ۹۰۷ قمری حساسیت همسایگان سنی مذهب را برانگیخت. در این بین ازبکان با داعیه‌های مذهبی و توسعه طلبی‌های ارضی حملات مختلفی را به شهرهای مختلف خراسان از جمله مشهد تدارک دیدند که در این تهاجمات بارگاه رضوی نقش مهمی ایفا کرد. پژوهش پیش‌رو به روش توصیفی تحلیلی مبتنی بر متون کتابخانه‌ای درصدد پاسخ به این سؤال است که بارگاه رضوی در این منازعات چه جایگاهی داشته است؟ یافته‌ها حاکی از این واقعیت است که بارگاه رضوی نه تنها از روند این منازعات تأثیراتی پذیرفته بلکه بر جریان آن‌ها نیز اثر گذاشته است؛ بدین ترتیب که تهاجمات ازبکان به مشهد موجب دستبردهای گوناگون آن‌ها به بارگاه رضوی شد؛ اما همین تهاجمات زمینه‌ای برای توجه بیشتر شاهان صفوی به مسئله زیارت مشهد و بازسازی حرم مطهر را فراهم کرد. همچنین صفویان توانستند از ظرفیت‌های متعدد بارگاه رضوی به منظور مقابله با ازبکان استفاده کنند.

کلیدواژه‌ها: مشهد، منازعات سیاسی مذهبی، بارگاه رضوی، ازبکان، زیارت.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه شیراز: derikvandyreza@gmail.com

۲. دانشیار گروه تاریخ اسلام دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول): khakrand66@yahoo.com

۱. مقدمه

در شرایطی که صفویان سرگرم تثبیت پایه‌های قدرت خویش در برابر بازماندگان ترکمانان و سایر گردن‌کشان محلی بودند، با دشمنی نو ظهور در مرزهای شمال شرقی قلمرو خویش یعنی ازبکان مواجه شدند. مناسبات میان دو حکومت از همان ابتدا شکل خصمانه‌ای به خود گرفت. ازبکان تلاش کردند از اختلافات مذهبی به عنوان حربه‌ای برای توسعه طلبی‌های ارضی خود بهره‌برداری کنند؛ بنابراین سلسله حملاتی را به منظور تصرف خراسان به این سرزمین تدارک دیدند. آن‌ها در بازه‌های زمانی مختلف که معمولاً مصادف با ایام ضعف و آشفتگی داخلی حکومت صفویان بود، سرزمین خراسان را هدف تاخت و تازهای خود قرار دادند.

در این تهاجمات مشهد نیز مانند دیگر شهرهای خراسان هدف تهاجم ازبکان قرار گرفت. آنچه مشهد را در این تهاجمات از دیگر شهرهای خراسان متمایز می‌کرد، قرار گرفتن بارگاه رضوی در این شهر بود. به عبارتی اگر هرات را پایگاه سیاسی صفویان در خراسان به حساب آوریم مشهد را باید پایگاه مذهبی و فرهنگی این دودمان در شرق ایران دانست. در روند منازعات میان صفویان و ازبکان، بارگاه رضوی اهمیت و جایگاه بالایی داشته؛ به گونه‌ای که بارگاه رضوی در شکل‌دهی به این منازعات و روند آن‌ها نقش‌آفرینی کرده است.

پژوهش پیش‌رو در صدد پاسخ به این مسئله است که بارگاه رضوی چه جایگاهی در منازعات سیاسی مذهبی صفویان و ازبکان ایفا کرده است؟ پاسخ ابتدایی که می‌توان در برابر این سؤال مطرح کرد بدین شکل است که در منازعات بین دو حکومت، بارگاه رضوی نقش دوگانه‌ای ایفا کرده؛ یعنی هم از این منازعات تأثیر پذیرفته که این تأثیرپذیری خود در دو قالب مثبت و منفی قابل بررسی است و هم در روند این منازعات به نفع صفویان اثر مثبت گذاشته است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

تاکنون هیچ‌گونه پژوهشی با این نگاه به موضوع پیش‌رو نپرداخته است، منتها می‌توان

از تحقیقاتی نام برد که به برخی از جنبه‌های تحقیق حاضر اشاراتی داشته‌اند یا از منظری دیگر بدین موضوع نگاه کرده‌اند. بخشی از کتاب «تاریخ شهر مشهد (از آغاز تا مشروطه)» (سیدی، ۱۳۷۸) به وضعیت این شهر و بارگاه رضوی در دوره صفوی اختصاص یافته است. در این اثر به صورت مشروح به جزئیات حوادث و رخدادهایی که در نتیجه منازعات بین صفویان و ازبکان بر شهر مشهد و حرم رضوی گذشته، پرداخته شده است. یکی دیگر از این گونه پژوهش‌ها مقاله امیرخانی (۱۳۹۰) با عنوان «مکتوبات سیاسی و داعیه‌های مذهبی (بررسی نقش مذهب در روابط ایران و ماوراءالنهر در قرن ۱۰ و ۱۱ ق)» است که نگارنده تنها به بررسی و تحلیل نقش مذهب در روابط صفویان و ازبکان با تکیه بر مکتوبات سیاسی آن عصر پرداخته و در خلال مباحث خود حرم امام رضا (علیه السلام) را یکی از دلایل نزاع مذهبی میان دو طرف ذکر کرده است.

در مقاله دیگری با عنوان «نقش و جایگاه حرم مطهر رضوی در شکل‌گیری و تکامل حیات شهری مشهدالرضا» (زارعی، هاشمی زوج آباد و مسعودی، ۱۳۹۵) نگارندگان بیشتر به نقش بارگاه رضوی در تکامل حیات شهری مشهد از شهادت امام رضا (علیه السلام) تا دوره قاجار پرداخته و به صورت کلی به تأثیر حملات ازبکان در ساختن برخی استحکامات دفاعی شهر مشهد اشاره کرده‌اند. همچنین در برخی پژوهش‌های دیگر از جمله «شاهان صفوی و زیارت» (ایزدی، ۱۳۹۱) نیز به طور مشروح به سفرهای زیارتی شاهان صفوی اشاره و این پیش‌فرض مطرح شده که شاهان صفوی در خلال سفرهای نظامی خود به زیارت ائمه شتافته‌اند. از آن جا که پژوهش حاضر درصدد است تا جایگاه بارگاه رضوی در منازعات میان صفویان و ازبکان را به صورت تحلیلی مورد بررسی قرار دهد، دارای جنبه نوآورانه بوده و با تحقیقات پیشینیان متفاوت است.

۲-۱. ضرورت و اهمیت انجام تحقیق

قرار گرفتن بارگاه ملکوتی حضرت رضا (علیه السلام) در سرزمین خراسان اهمیت خاصی به این منطقه بخشیده است. شخصیت معنوی این امام بزرگوار موجب شده که بارگاه رضوی

در تحولات سیاسی و اجتماعی خراسان و البته سراسر ایران نقش آفرین باشد. یکی از مصادیق این نقش آفرینی را در مسئله منازعات سیاسی و مذهبی میان صفویان و ازبکان شاهد هستیم. جایگاه مهم و دوگانه‌ای که بارگاه رضوی در این منازعات ایفا کرده بر اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش می‌افزاید.

۲. نگاهی به منازعات سیاسی مذهبی صفویان و ازبکان

آغاز سده دهم قمری شروع دوران جدیدی در حیات عملی و رفتار سیاسی شیعیان بود که این بار بر گونه آیین اثناعشری و در قالب یک تشکیلات نو، دوران پرفراز و نشیبی از سرزندگی اندیشه سیاسی و دینی را شروع کردند (صفت‌گل، ۱۳۸۱: ۱۳۳). صفویان از جمله صوفیانی بودند که به تدریج تعلیمات شیعه را اخذ کردند و به دستگیری برخی علمای دینی شیعه در برابر تهاجمات فرهنگی و سیاسی دو همسایه غربی و شمال شرقی یعنی عثمانیان و ازبکان به مقابله برخاستند و استقلال ایران را حفظ کردند. دگرگونی مذهبی در ایران و صف‌آرایی سیاسی و مذهبی در مرزهای شرقی و غربی آن به همراه برقراری حاکمیتی متمرکز در درون مرزهای سنتی پس از سالیان متمادی از مشخصه‌های دوره صفویان است (حاجیان‌پور، ۱۳۷۶: ۴-۵). ایران هنگام تشکیل دولت صفوی نوعی تجزیه سیاسی را از سر می‌گذراند. در شرق آخرین حکمرانان دودمان تیموری به مرکزیت هرات، فرمانروایی متزلزل و منحطی داشتند. در غرب خاندان آق‌قویونلو در پایتخت خود تبریز درگیر ضعف سیاسی و انحطاط اقتصادی و اجتماعی بودند و در پیرامون آن ازبکان در شرق و عثمانیان در غرب به مثابه دو لانه زنبور به قلمروی ایران چشم دوخته بودند. افزون بر آن شماری از خاندان‌های محلی در ولایات مختلف ایران گونه‌ای استقلال داخلی داشتند و می‌کوشیدند در غیاب یک حکومت متمرکز اوضاع ولایت خویش را سامان دهند (صفت‌گل، ۱۳۸۸: ۳۵).

در این میان آغاز بازیگری ازبکان در منطقه ماوراءالنهر، صفویان را با چالش بزرگی مواجه نمود (امیرخانی، ۱۳۹۰: ۴۶). ازبکان نیروهای تازه‌نفسی از دشت‌های آسیای

مرکزی بودند که بر مبنای الگوی سنتی تاریخ چند قرن گذشته ایران آمادگی لازم را برای درنوردیدن خاک ایران پیدا کرده بودند (متولی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۴۲). کوشش برای یافتن دلایل مذهبی به عنوان بهانه جنگ و غزا با سرزمین کفر و ادعاهای تاریخی و موروثی گویای پیچیدگی بحران سیاسی مذهبی در شرق ایران بود (حاجیان پور، ۱۳۷۶: ۷). یکی از مبانی اختلاف میان صفویان و ازبکان ناهمگونی مذهبی بود. شاه اسماعیل (۹۰۷-۹۳۰ ق) اساس وحدت سیاسی ایران را بر تشیع و سیاست خارجی خود را بر مخالفت با ازبکان و عثمانی‌ها که هر دو دسته سنی مذهب بودند، قرار داد و جنگ‌ها را به صورت کشمکش‌های مذهبی درآورد (سرافرازی و شاطری، ۱۳۹۳: ۷۹). ازبکان نیز که حنفیان متعصبی بودند (امیرخانی، ۱۳۹۰: ۴۷) آمادگی لازم برای ورود به مناقشات مذهبی را دارا بودند. رویکرد تبلیغی صفویان در جهت اشاعه تشیع در خراسان و افراط برخی از میدان شاه اسماعیل در این زمینه دامنه اختلافات مذهبی را با ازبکان افزون ساخت. شعارهای آغازین صفویان در لعن خلفا نیز دستاویز محکمی را فراروی ازبکان قرار داد تا با جدیت بیشتری علیه شیعیان فتوا صادر کنند؛ بنابراین ازبکان تاخت‌وتاز به خراسان را که بیشتر با درون مایه غارتگری و زیاده‌خواهی همراه بود در پوشش جهاد علیه بدعت و رفض قرار دادند و مبتنی بر همین شیوه هرگونه رفتاری را علیه شیعیان مباح شمردند. از سوی دیگر تحریکاتی که برخی علمای ماوراءالنهر علیه مذهب صفویان به راه انداخته بودند، زمینه هرگونه مماشات را منتفی ساخته بود (متولی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۵۳-۱۵۴).

سه عامل در تشدید منازعات مذهبی بین ازبکان و صفویان نقش داشت؛ ۱. نقش فضل‌الله بن روزبهان خنجی و اقدامات وی در زمینه تحریک ازبکان به جنگ با صفویان و مشروعیت‌بخشی به آن‌ها و تلاش در جهت پیوند دادن حکومت ازبکان با منصب خلافت ۲. تلاش دولت عثمانی برای تحریک ازبکان علیه صفویان و دادن عنوان غزا به منازعات آن‌ها ۳. مزار امام هشتم شیعیان و جایگاهی که در مجادلات کلامی و فرقه‌ای ایفا نمود (همان: ۴۸-۵۰؛ ر.ک: امیرخانی، ۱۳۹۰: ۴۴-۶۰). یکی دیگر از مبانی اختلاف میان صفویان و ازبکان توسعه‌طلبی‌های ارضی ازبکان برای تصاحب خراسان بود. خراسان به عنوان دروازه ورود ازبک‌ها به ایران به لحاظ دور بودن از مرکز حکومت صفوی از یک سو و

ناتوانی صفویان در اجرای یک برنامه دفاعی پایدار در برابر تهاجمات ازبکان از سوی دیگر در معرض آسیب‌های زیادی قرار گرفت که در فرایند کلی حیات اجتماعی و اقتصادی این منطقه تأثیرات ناگواری را به جا گذاشت (متولی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۴۲). ازبکان اصرار داشتند که صفویان می‌بایست به عراق و آذربایجان اکتفا و خراسان را به آن‌ها واگذار کنند، در مقابل صفویان خراسان را ملک موروث خود می‌دانستند که به هیچ وجه حاضر به چشم‌پوشی از آن نبودند (ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۲: ۴۵۲-۴۵۳ و ۵۶۶). صفویان توانستند بعد از نبرد مرو در سال ۹۱۶ قمری خراسان را به تملک خود درآورند. با توجه به واقع شدن حرم حضرت رضا (علیه السلام) در مشهد و سادات متنفذ ساکن شهر مشهد این شهر یکی از مراکز مهم دولت صفوی شد (سیدی، ۱۳۷۸: ۱۰۰). با این حال گرایش غالب در نزد صفویان حفظ مناسبات دوستانه با همسایه شمال شرقی خویش بود (جنابدی، ۱۳۷۸: ۵۹۲؛ ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۲: ۵۶۶)؛ اما تلاش‌های صلح‌طلبانه صفویان نتوانست جلوی خوی غارتگر ازبکان را بگیرد. شرح یورش‌های متعدد ازبکان به سرزمین پهناور خراسان حکایتی دردآور از سرگذشت مردمانی است که به جبر طبیعت در معرض حملات مهاجمانی بودند که از شرق و شمال شرق بر سرزمین ایران می‌تاختند (امیرخانی، ۱۳۹۰: ۴۶). در این بین مشهد نیز در موارد مکرر مورد دستبرد و غارت مهاجمان ازبک قرار گرفت (شاملو، ۱۳۷۱: ۱۷۵؛ ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۲: ۴۱۳؛ جنابدی، ۱۳۷۸: ۶۸۴-۶۸۵؛ ر.ک: سیدی، ۱۳۷۸: ۹۵-۹۶). با این حال تلاش ازبکان برای انضمام قطعی خراسان به ماوراءالنهر با شکست مواجه شد و خود آن‌ها پس از مدتی به امکان ناپذیر بودن این امر واقف گشتند (جنابدی، ۱۳۷۸: ۴۰۸).

۳. اثر پذیری بارگاه رضوی از منازعات سیاسی نظامی میان صفویان و ازبکان

۳-۱. یورش ازبکان به مشهد و دستبرد به بارگاه رضوی

اثر پذیری بارگاه رضوی از منازعات بین صفویان و ازبکان در دو قالب اثرپذیری مثبت و

منفی قابل بررسی است. دستبردهای متعدد ازبکان به بارگاه رضوی را می‌توان در ذیل اثر پذیری منفی گنجانند. ازبکان در حملات متعدد خود به مشهد در برهه‌های زمانی مختلف آن را اشغال کردند. مشهد شهری راهبردی در شرق ایران محسوب می‌شد و بنا به ماهیت زیارتگاهی‌اش ثروت‌های سرشاری را در قالب‌های مختلف در خود جای داده بود (بارتولد، ۱۳۵۸: ۱۳۴)؛ بنابراین تصرف آن از نظر سیاسی و اقتصادی برای ازبکان اهمیت زیادی داشت. یکی از مهم‌ترین دلایل حملات ازبکان به این شهر دستیابی به دارایی‌های متعلق به بارگاه رضوی بود. در این دوره خوی غارتگری که از رسوم صحرانوردان بود هنوز در ساختار نظامی سپاه ازبک پا بر جا بود (نواپی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۲۹۰). از این جهت است که کمپفر، ازبکان را غارتگران ایران می‌نامد (کمپفر، ۱۳۶۰: ۹۵). برای آگاهی از میزان ثروت‌هایی که تنها به شکل طلا و نقره در مجموعه بارگاه به کار رفته بود کافی است به این روایت نطنزی اشاره کنیم که می‌گوید طهماسب ۸۰ من طلا صرف مطلا کردن گنبد حرم و میل روی آن نمود (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۸۳: ۱۳-۱۵). همچنین گزارش‌های فراوانی در دست است که از اهدای فروش، قنادیل طلا و نقره و اموال دیگری توسط دیگر شاهان صفوی به حرم حکایت دارد. گزارشی دیگر از مستوفی در دست داریم که اگرچه مربوط به اواخر عصر صفوی و حاصل انباشت دارایی‌های حرم در یک دوره طولانی است ولی می‌تواند در فهم این موضوع به ما کمک کند. وی روایت می‌کند در سال ۱۱۲۶ قمری به منظور تأمین هزینه سرکوب افغانه هرات دارایی‌های حرم را ذوب کردند که مجموع آن‌ها ۹۶ من و ۳۲ استار طلا و سه خروار و ۳۵ من نقره بود (مستوفی، ۱۳۷۵: ۱۱۸-۱۱۹؛ ر.ک: اشرفی (خوانساری) (مترجم)، بی‌تا: ۱۰۶-۱۰۷ و ۱۱۰).

علاوه بر این می‌بایست دارایی‌های دیگری که به شکل فرش، ظروف چینی، شمعدان‌ها، نسخ خطی گرانبها، کشاورزی‌های وقفی مربوط به حرم و سایر اموال عوام الناس را بر ثروت این شهر و میزان جاذبه آن برای مهاجمان ازبک افزود. درخور یادآوری است که اکثر دارایی‌های حرم در فاصله زمانی ۹۱۱ تا ۱۰۰۷ قمری چه آن‌هایی که قبل از

۱. هر من برابر با ۳۲۶ گرم، استار برابر با ۱۵ مثقال و مثقال خود مساوی با ۴/۶ گرم بود؛ و هر خروار نیز برابر با ۵۸۸/۸۰ کیلوگرم بود. ر.ک: اشرفی (خوانساری)، بی‌تا: ۱۰۶-۱۰۷ و ۱۱۰.

ظهور صفویان در حرم موجود بود و چه آن‌هایی که در این بازه زمانی توسط شاهان صفوی به حرم اهدا شد، در جریان یورش‌های مکرر ازبکان به مشهد به یغما رفت. تهاجمات ازبکان به خراسان پیوند مستقیمی با آشفتگی اوضاع حکومت صفوی داشت. ترکمان با در نظر داشتن این واقعیت می‌گویند عبیدخان که «همیشه در آرزوی ملک خراسان ... بود از بیم شعله شمشیر عالم‌گیر حضرت خاقان سلیمان‌شأن [شاه اسماعیل] و ظهور واقعه شیبک خان در ملک بخارا خزیده، دم درکشیده بود بعد از واقعه نازله خاقان سلیمان‌شأن و حادثه سن حضرت شاه جنت‌مکان [شاه طهماسب] و اخبار منازعه امرا خودرأی قزلباش به گمان آنکه ممالک ایران بی‌صاحب و در دست چند متغلب است دندان طمع بملک خراسان تیز کرده شش مرتبه بعزم تسخیر لشکر بخراسان کشید» (ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۱: ۵۰). نخستین تهاجم ازبکان به مشهد در دهه اول حکومت صفوی رخ داد. شیبک خان رهبر این قوم با بهره‌گیری از اشتغال شاه اسماعیل به مبارزه با مخالفان داخلی خویش در سال ۹۱۱ قمری به خراسان هجوم آورد. در جریان این حمله «ازبکان تمامی شهر مقدس مشهد و روضه رضیه متبرکه را تاخت نموده، برداشته به جانب هرات روانه گردیدند» (عالم‌آرای شاه اسماعیل، ۱۳۴۸: ۳۴۶). از این روزمانی که شاه اسماعیل در سال ۹۱۶ قمری وارد مشهد شد مشاهده کرد «که ازبکان فرش آستان ملایک آشیان را تالان نموده‌اند و قنادیل طلا و نقره را با قالی و غیره برده‌اند» (عالم‌آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۲۹۰). در سال ۹۱۹ قمری و به دنبال شکست و قتل امیرنجم‌ثانی در ماوراءالنهر نیز مشهد به مدت سه ماه به تصرف عبیدخان ازبک درآمد تا این که با ورود شاه اسماعیل به خراسان وی از این شهر عقب‌نشینی نمود (جناب‌دی، ۱۳۷۸: ۲۷۱ و ۲۷۳). عبیدخان یک‌بار دیگر در سال ۹۳۴ قمری نیز مشهد را بعد از یک محاصره طولانی تصرف نمود (همان: ۳۸۹).

بهرغم اشاره نکردن منابع به نحوه رفتار ازبکان با ساکنان مشهد و بارگاه رضوی قطعاً در این مدت نیز به روال سابق شهر مشهد و بارگاه هدف دستبرد مهاجمان قرار گرفته بود. گزارش کاملی از غارت بارگاه رضوی و قتل و غارت مشهد و ساکنان آن در حمله سال ۹۹۸ قمری عبدالؤمن خان ازبک به این شهر موجود است. خان ازبک بعد از یک محاصره هفت ماهه (همان: ۶۸۴-۶۸۵) شهر را تصرف کرد. ازبکان به مدت سه روز مشهد و ساکنان

آن را هدف قتل و غارت قرار دادند. اصرار خدام حرم در جلوگیری از ورود خان ازبک به داخل حرم و سوء قصدی نافرجام به جان وی موجب خشم عبدالؤمن خان و صدور دستور غارت بارگاه و قتل پناهندگان آن مکان مطهر شد (همان: ۶۸۶ - ۶۸۷). شاملو تعداد ساداتی را که در این حادثه کشته شدند چهار هزار نفر ذکر کرده است (شاملو، ۱۳۷۱: ۱۷۵). به دنبال این حمله که ترکمان آن را «ثانی روز عاشورا» نامیده، روضه مقدسه به باد غارت رفت و قنادیل مرصع طلا و نقره و شمعدان‌ها که از حیز تعداد بیرون بود و مفروشات و ظروف چینی و «کتابخانه سرکار فیض آثار که در تمام ایام از اقصی بلاد اسلام جمع شده بود از مصحف بخطوط شریف حضرات ائمه معصومین و استادان ماتقدم مثل یاقوت مستعصمی و استادان سته و دیگر کتاب علمی و فارسی که از حیز احصا بیرون بود بدست اوزبکان بی تمییز نادان درآمده آن دُرّ گرانمایه را چون خزف ریزه بی بها بیکدیگر میفروختند» (ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۲: ۴۱۳)؛ همچنین زنان بسیاری نیز توسط ازبکان به اسارت گرفته شدند. ازبکان به این ثروت‌های به دست آمده اکتفا نکرده و میرسید ولی را که متولی آستان بود به منظور اخذ دَفینه آن قدر شکنجه نمودند تا در نتیجه آن مصیبت به درجه شهادت رسید (شاملو، ۱۳۷۱: ۱۷۵). تبعات اقتصادی حمله ازبکان به شهر مشهد به اندازه‌ای بود که بنا بر گفته جناب‌دی «از اموال و جهات در روی زمین و زیر زمین یک دینار نگذاشتند» (جناب‌دی، ۱۳۷۸: ۶۸۷). عبدالؤمن خان بعد از ترک مشهد میل طلای گنبد را نیز که توسط شاه طهماسب ترتیب داده شده بود به همراه خود برد (ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۲: ۴۱۴).

انگیزه‌های مادی ازبکان در تهاجم به مشهد از آن جا مشخص تر می‌شود که به گفته ترکمان در تهاجم عبیدخان ازبک به این شهر در سال ۹۳۵ قمری «بسی از مردم یقین‌التسنن را بطمع مال ببهانه رفض و تشیع مقتول ساختند» (همان، ج ۱: ۵۸). ازبکان سایر متعلقات و موقوفه‌های بارگاه رضوی از جمله محصولات کشاورزی را نیز به یغما بردند. ترکمان از نامه علمای مشهد به عبدالله خان ازبک در سال ۹۹۷ قمری یاد می‌کند که در آن متذکر شده بودند که «متعرض محصولات که اکثر سرکار فیض آثار متعلق و معاش جمعی کثیر از خدمه آن روضه مقدسه است نگردند» (همان، ج ۲: ۳۹۰)؛ اما ازبکان به بهانه آنکه

«این دیار از جمله دارالحرب است» تصرف و مصرف املاک وقفی را جایز می‌دانستند (شاملو، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۴۴). با این حال در برخی مواقع بزرگان مشهد از طریق مذاکره و دادن هدایا و اموالی مهاجمان را راضی به رفع محاصره مشهد می‌کردند (همان، ج ۲: ۴۱۱). یکی از اقدامات ناپسندی که ازبکان در هنگام تصرف مشهد انجام می‌دادند و حساسیت صفویان را برمی‌انگیخت، نبش قبور شخصیت‌های برجسته‌ای بود که در محدوده حرم دفن شده بود. می‌دانیم که بنا بر یک سنت مذهبی جنازه شاهان را در مشاهد متبرکه در ایران و بین‌النهرین دفن می‌کردند. در دوره مورد بحث ما حداقل یک جنازه مهم یعنی پیکر طهماسب (۹۳۰ - ۹۸۴ ق) در کنار مرقد حضرت رضا (علیه السلام) دفن شده بود (جناب‌دی، ۱۳۷۸: ۵۸۷؛ روملو، ۱۳۵۷: ۶۳۰). عبدالؤمن خان در سال ۱۰۰۱ قمری قصد داشت جنازه طهماسب را بیرون آورده و بدان بی‌احترامی روا دارد اما به دلیل رعایت جوانب احتیاطی از جانب صفویان به هنگام دفن جنازه طهماسب، بدین امر موفق نشد (جناب‌دی، ۱۳۷۸: ۵۲۵ - ۵۲۷). تهاجمات ازبکان به مشهد بعد از شکست آن‌ها در سال ۱۰۰۷ قمری در جنگ رباط پریان به پایان رسید و سپس با قدرت‌نمایی شاه عباس اول آن‌ها نتوانستند مانند سابق خراسان را هدف تاخت و تاز قرار دهند. ازبکان به‌رغم بی‌احترامی‌هایی که در نحوه رفتار با ساکنان شهر مشهد و بارگاه رضوی داشتند، تحت تأثیر شخصیت معنوی حضرت رضا (علیه السلام) قرار گرفته و ارادت خود را به ایشان اظهار می‌کردند. بر اساس نوشته‌های فضل‌الله بن روزبهان خنجی مورخ سنی‌مذهب دربار ازبکان، شیبک خان در سال ۹۱۱ قمری به زیارت حضرت رضا (علیه السلام) شتافت و آداب زیارت را به جای آورد (خنجی، ۱۳۵۵: ۳۳۹). خنجی ابیاتی به وی نسبت می‌دهد که به زبان ترکی و در ستایش حضرت رضا (علیه السلام) سروده شده است^۱ (همان: ۳۴۱) شاملو نیز روایت می‌کند عبدالؤمن خان بعد از تصرف مشهد در سال ۹۹۸ قمری قصد ورود به بارگاه را داشته به گونه‌ای که چون خدام حرم مانع از ورود وی می‌شدند خان فریاد برآورد «بغیر از ادراک شرف زیارت مطلبی دیگر نداریم» (شاملو، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۷۴). خنجی که نظریه‌پرداز سیاسی و مذهبی ازبکان محسوب می‌شود و مورخی صفوی ستیز به حساب می‌آید (سیدی، ۱۳۷۸: ۹۶ - ۹۷) نیز درباره بارگاه حضرت رضا (علیه السلام)

۱. ترجمه یکی از این ابیات چنین است: «اگر سر بر این آستان بگذارم و اشک روان بر چهره جاری کنم دیگر در میان این آستان پاک غمی از مرگ نخواهم داشت». به منظور آگاهی از متن کامل این غزل به زبان ترکی ر. ک: خنجی، ۱۳۵۵: ۳۴۱.

چنین می‌گوید: «معبدیست از معابد اسلام هرگز آن مرقد عالی از طاعت نیازمندان خالی نیست و چگونه چنین باشد و حال آنکه تربت حضرت امامیست که اوست مظهر علوم نبوی و وارث صفات مصطفوی و امام برحق و رهنمای مطلق و صاحب زمان امامت خود و وارث نبوت بحق استقامت خود» (خنجی، ۱۳۵۵: ۳۳۶).

۳-۲. توجه بیشتر شاهان صفوی به مسئله زیارت مشهد

نخستین اثرگذاری مثبت منازعات صفویان و ازبکان بر بارگاه رضوی فراهم شدن زمینه حضور بیشتر شاهان صفوی در خراسان و توجه بیشتر آن‌ها به زیارت مشهد بود. یورش‌های مکرر ازبکان به خراسان به خصوص در فاصله زمانی سال‌های ۹۱۱ تا ۱۰۰۷ قمری لزوم حضور شاهان صفوی در این منطقه به منظور دفع مهاجمان را بیشتر می‌کرد. منابع این عصر نیز با در نظر داشتن این واقعیت دلیل سفرهای مکرر شاهان صفوی به خراسان در برهه زمانی فوق را انگیزه‌های سیاسی و ضرورت مقابله آن‌ها با مهاجمان ازبک ذکر کرده‌اند (جنابدی، ۱۳۷۸: ۲۱۸ و ۴۱۸؛ خواندامیر، ۱۳۷۰: ۱۶۷؛ ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۱: ۵۸؛ خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴: ۵۰۷ - ۵۰۸). نگاهی کوتاه به زیارت‌های شاهان صفوی از مشهد در این دوره نیز خود گواه این واقعیت است که ضرورت مقابله با ازبکان بر میزان حضور آن‌ها در خراسان تأثیرگذار بوده است. دو زیارت شاه اسماعیل از مشهد در خلال سفرهای جنگی وی در سال‌های ۹۱۶ و ۹۱۹ قمری صورت گرفت (جنابدی، ۱۳۷۸: ۲۳۴ و ۳۷۷؛ روملو، ۱۳۵۷: ۱۵۳). شاه طهماسب نیز در خلال سفرهای نظامی خود در سال‌های ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۴۰ و ۹۴۳ قمری چندین نوبت به زیارت حضرت رضا (علیه السلام) رفتند (خواندامیر، ۱۳۷۰: ۳۱۴؛ جنابدی، ۱۳۷۸: ۳۹۴؛ روملو، ۱۳۵۷: ۲۷۹؛ ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۱: ۵۸)؛ و برخی زیارت‌های شاه عباس اول (۹۹۶ - ۱۰۳۸ ق) نیز با سفرهای نظامی وی به خراسان در ارتباط بود (جنابدی، ۱۳۷۸: ۶۷۸؛ منجم، ۱۳۶۶: ۱۷۱؛ ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۲: ۵۷۸).

بنابراین مشخص است که لزوم مقابله با ازبکان در کمیت زیارت شاهان صفوی از مشهد تأثیرگذار بوده است؛ اما این سخن بدین معنی نیست که مسئله زیارت مشهد صرفاً با

تهاجم ازبکان به خراسان پیوند خورده بود؛ زیرا شاهان صفوی شیعیان مخلصی بودند که نه تنها در خلال سفرهای جنگی بلکه در موارد دیگری صرفاً بنا بر اعتقاد قلبی که به ائمه هدی (علیهم السلام) داشتند به زیارت مقابر آن‌ها در ایران و بین‌النهرین می‌رفتند (ر.ک: ایزدی، ۱۳۹۱: ۱۳۱-۱۵۱) برای اثبات این مدعا می‌توان به نمونه‌هایی از سفر شاهان صفوی به خراسان اشاره کرد که صرفاً به انگیزه زیارت مشهد انجام گرفت. یکی از این موارد سفر معروف سال ۱۰۰۹ قمری شاه عباس بود که با پای پیاده (معصوم، ۱۳۵۱: ۴۳) و در عرض ۲۸ روز انجام گرفت (ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۲: ۶۱۱-۶۱۲). جدای از این شاهان صفوی در زیارت مشهد مراتب ارادت و اخلاص خود را به امام رضا (علیه السلام) نشان داده و هرگونه شائبه مصلحتی بودن این سفرها را از اذهان زدوده‌اند (ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۲: ۶۱۲؛ عالم‌آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۲۹۱؛ عالم‌آرای شاه اسماعیل، ۱۳۴۸: ۳۴۷).

۳-۳. توسعه و بازسازی بارگاه رضوی و شهر مشهد

دومین اثر‌پذیری مثبت بارگاه رضوی از منازعات بین صفویان و ازبکان را باید در فراهم شدن بستری برای اهتمام بیشتر شاهان صفوی به توسعهٔ آستان مقدس رضوی و توجه بیشتر به شهر مشهد دانست. مشهد به عنوان مدفن امام هشتم شیعیان پایگاه مذهبی صفویان در برابر ازبکان محسوب شده و برای خاندان صفوی دارای اهمیت فراوانی بود؛ به‌گونه‌ای که از دست رفتن آن را مساوی با از دست رفتن کل خراسان می‌دانستند (منجم، ۱۳۶۶: ۵۹). جایگاه راهبردی مشهد در سیاست‌های مذهبی شاهان صفوی بدان درجه بود که شاه اسماعیل در برابر خواسته‌های شییک خان ازبک مبنی بر فراهم نمودن وسایل عبور سپاه ازبک از عراق برای زیارت کعبه، مسئله زیارت حضرت رضا (علیه السلام) را مطرح کرده و خطاب به خان ازبک می‌نویسد: «مانیز عزم جزم کرده‌ایم که جهت طواف ملایک مطاف روضه رضویه علی راقدها ألف السلام و التحیه ... به صوب خراسان توجه فرماییم لایق آنکه در استقبال موبکب جاه و جلال طریق استعجال مسلوک داشته راه تکاهل ننمایند» (جنابیدی، ۱۳۷۸: ۲۳۰).

در طی تهاجمات ویرانگر ازبکان که موجب «خرابی خراسان و خراسانیان» گشته بود (همان: ۲۹۶)، مشهد نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین شهرهای خراسان صدمات فراوانی دید و مقدار قابل توجهی از سرمایه‌های انسانی و مادی خود را از دست داد. همچنین در جریان این تهاجمات بارگاه رضوی نیز به کرات هدف غارت ازبکان قرار گرفت. لزوم جبران این خسارات در کنار علاقه و اهتمام شاهان صفوی به آباد کردن مشاهد متبرکه و شهرهای مذهبی موجب گشت که اقدامات عمرانی در خود بارگاه و شهر مشهد انجام بگیرد. این اقدامات در دو بعد جزئی و کلی و در چند مرحله صورت پذیرفت. در مرحله اول که مقارن با سلطنت اسماعیل و طهماسب است (۹۰۶-۹۸۵ ق) اصلاحات عمدتاً جزئی است. ویژگی اصلی این دوره تهاجمات مکرر ازبکان است که با دستبردهای خود به بارگاه مطهر تأثیر اقدامات عمرانی شاهان صفوی را خنثی می‌کردند؛ اما در مرحله دوم اقدامات عمرانی اساسی و پایداری در ساختار بارگاه و شهر مشهد صورت گرفت. در این مرحله به دلیل تثبیت قدرت صفویان در خراسان و تضعیف دودمان ازبک که بعد از نبرد رباط پریان آغاز شد، تهاجمات آن‌ها به مشهد به حداقل رسید و اقدامات عمرانی شاه عباس پایدار ماند. در منابع این عصر گزارشی از اقدامات عمرانی به معنای واقعی که به دست شاه اسماعیل صورت گرفته باشد، دیده نمی‌شود؛ بلکه گزارش‌ها عموماً به تأمین لوازم ضروری حرم مثل شمعدان، فرش و رسیدگی به امور خدام و سادات مجاور حرم مربوط می‌شود. در سال ۹۱۶ قمری شاه اسماعیل دستور داد که حرم را مفروش و قنادیل و شمعدان‌های طلا و نقره برای آن فراهم کنند (عالم‌آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۲۹۰-۲۹۱؛ عالم‌آرای شاه اسماعیل، ۱۳۴۸: ۳۴۶-۳۴۷). وی در جریان همین سفر سادات و مجاوران حرم را با دادن صدقات خوشدل گرداند (جناب‌دی، ۱۳۷۸: ۲۳۴؛ روملو، ۱۳۵۷: ۱۵۳؛ ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۱: ۳۷؛ خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴: ۵۰۸). اهدای صدقات به مجاوران حرم در سفر سال ۹۱۹ قمری شاه اسماعیل به خراسان نیز تکرار شد (جناب‌دی، ۱۳۷۸: ۲۷۷).

شاه طهماسب اقدامات عمرانی بیشتری نسب به پدر خویش در بارگاه رضوی و شهر مشهد انجام داد. وی علاوه بر آن که در سفرهای متعدد نظامی خود به خراسان سادات و خدام حرم را با اعطای صلوات خوشوقت گردانید (همان: ۳۹۴، ۴۲۰ و ۴۵۹)، اقدامات

عمرانی همچون برآوردن باروی گرد شهر مشهد (روملو، ۱۳۵۷: ۶۳۵؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۴: ۵۴) که ظاهراً به جای باروی کهنه آن ساخته شده بود، مطلا کردن گنبد مبارک (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۴: ۵۴؛ مستوفی، ۱۳۷۵: ۸۱)، نصب میل طلای سر گنبد مبارک (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۴: ۵۴)، «قلعه مشهد مقدس، سر طوق مرصع گنبد مطهر مزبور، ... شرفه دوز ضریح مقدس، شمعدان بالای سر و پایین پای مرقد مطهر، درب مرصع روضه رضویه» را نیز انجام داد (مستوفی، ۱۳۷۵: ۸۱). در دوره مورد بحث ما شاه عباس بیشترین اقدامات عمرانی را در بارگاه رضوی انجام داد. استرآبادی با در نظر داشتن این واقعیت می گوید که شاه عباس «در تعمیر مشاهد مقدسه و بقاع آن حضرات» سعی جمیل داشت (همان: ۱۳۳). به طور کلی اقدامات شاه عباس در جهت توسعه و عمران حرم امام رضا (علیه السلام) در چهار سطح انجام گرفت؛ نخست سروسامان دادن به امور مربوط به خادمین و کارکنان حرم، دوم تأمین وسایل ضروری آستان همچون ظروف آلات و فرش ها و ...، سوم تأمین آب مورد نیاز ساکنان و زوار و بهبود فضای سبز محوطه حرم و چهارم توسعه و گسترش فضای داخلی حرم که با تغییرات و افزودن صحن ها و ایوان های جدیدی صورت گرفت. شایسته یادآوری است که شاه عباس علاوه بر تعقیب سیاست های شاهان پیشین صفوی در احیای بارگاه ضوی در برابر هجمه های فرهنگی و سیاسی از بکان هدف دیگری را نیز دنبال می کرد و آن ایجاد زیرساخت های مناسب در مشهد و بارگاه رضوی به منظور پذیرایی از زوار در مقیاسی گسترده بود. در توضیح این امر باید اضافه کرد که پس از روی کار آمدن حکومت صفویه علاوه بر عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ژئوپولتیکی، وجود مراکز عمده تشیع و قبور متبرکه امامان شیعه در عراق همواره موجب بروز اختلاف میان آن ها با ترکان عثمانی می شد (رحمانیان و شهسواری، ۱۳۹۱: ۳). به عبارتی سه نقطه برخورد و تعامل دولت عثمانی با ایران تجارت، جنگ و حج بود (قائدان و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۲۰).

گروه کثیری که هر سال به مکه و مدینه می رفتند برای مخارج و صدقاتی که می باید به متولیان اماکن شریفه بدهند و باج و خراجی که ترک ها و اعراب از آن ها می گرفتند مبالغی دوکای طلا با خود به خارج می بردند (تاورنیه، بی تا: ۵۱۵). هر سال تعداد زیادی از ایرانیان برای زیارت عتبات عالیات در شهرهایی که پس از عهدنامه صلح



آماسیه (۹۶۲ ق) از ایران جدا شده بود و همچنین زیارت مکه و مدینه از خاک عثمانی عبور می‌کردند (ایزدی، ۱۳۹۱: ۱۴۲). شهرهایی که زائران زیارت می‌کردند عبارت بودند از کاظمین، سامرا، کربلا و نجف (عیسوی، ۱۳۶۲: ۱۹۷). از لحاظ مسافت این مسافرت‌ها دست‌کم شش ماه به طول می‌انجامید و زوار ایرانی به ویژه آن‌هایی که به سمت مکه می‌رفتند می‌باید به منظور پرداخت عوارض، خرید نیازمندی‌های طول سفر یا پرداخت نذورات خود به حرم نبوی و مسجد الحرام و هزینه گمرک به مأموران عثمانی از سکه‌های طلا استفاده کنند، بدین ترتیب سکه‌های طلا که از مهم‌ترین عوامل تدارک و تجهیز سپاهیان نو بنیاد شاه عباس بود از ایران و قلمرو صفوی خارج و موجب تقویت مالی قدرت ترکان عثمانی و تجهیز سپاهیان آن‌ها می‌شد (همان: ۱۴۲). به علاوه یکی از عوامل بسیار جالب افزایش تقاضا و قیمت طلا در دوره صفویه زیارت سالانه حج و تا حدی زیارت اماکن متبرکه شیعی در نجف و کربلا بود. با شروع ایام زیارت آن‌هایی که قصد داشتند سفر دراز مدت یک‌ساله به شبه جزیره عربستان انجام دهند مقدار زیادی طلا می‌خریدند؛ زیرا تنها این پول بود که برای حمل به نقاط دور دست بسیار مناسب بود و نتیجه این اقدام افزایش قیمت طلا بود (متی، ۱۳۸۷: ۷۴). در حقیقت می‌توان گفت که مراسم حج فقط یک مناسک دینی نبود بلکه فرایند اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مهمی در جهان اسلام بود (فائدان و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۲۰). این عوامل منجر به وارد آمدن آسیب‌هایی بر ساختار اقتصادی حکومت صفوی شد. به علاوه بد رفتاری و اجحافات که در حق زوار ایرانی انجام می‌گرفت (جعفریان، ۱۳۷۳، ج ۳: ۱۱ و ۱۲)، شرافت و حیثیت حکومت صفوی را زیر سؤال می‌برد. بنابراین شاه عباس به منظور جلوگیری از این زیان بزرگ مالی درصدد برآمد تا با آباد کردن بارگاه رضوی و مشهد این شهر را به کانون نخست زیارتی رعایای خویش تبدیل کند. وی جدای از آنکه در خلال سفرهای مختلف خود به مشهد به نظم و نسق امور حرم و اهدای صلات و نذورات به خدام و مجاوران آن‌جا پرداخت (ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۲: ۵۷۸؛ جنابدی، ۱۳۷۸: ۷۶۳)، در سال ۹۹۶ قمری قنادیل طلا و نقره و فروش زیادی به حرم اهدا کرد و در زینت این مکان کوشید (شاملو، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۶۴). این امر در سال ۱۰۰۷ قمری که حرم هدف دستبرد ازبکان قرار گرفته بود نیز تکرار شد و «از قنادیل مرصع و

طلا و نقره و شمعدان و قالی‌های بتکلف کرمانی و جوشقانی و اوانی و ظروف آنچه ضروری سرکار فی آنچه ضروری سرکار فیض آثار بود سرانجام یافت» (ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۲: ۵۷۸).

اساسی‌ترین اصلاحات در ساختار حرم و شهر مشهد در سال ۱۰۲۱ قمری صورت گرفت. به گفته ترکمان در این سال رأی شاه بر توسعه صحن مبارک قرار گرفت؛ زیرا صحن سابق در نظر وی تنگ و حقیر می‌نمود و ایوان میرعلی شیربدان خاطر که در یک گوشه صحن افتاده بود به غایت بدنما بود، به همین دلیل «طبع سلیم و دانش مستقیم آن حضرت ... اقتضای آن کرد که عمارت سابق جانب شرقی را که انهدام پذیرفته بود برداشته اضافه صحن نمایند بنوعی که ایوان مذکور در وسط حقیقی واقع شود و ایوان دیگر در مقابل آن که جانب شمالی صحن و روی بجنوب داشته باشد و دو ایوان دیگر در طرف شرقی و غربی عمارت کشند که آن ثانی صحن بیت المعمور مشتمل بر چهار ایوان بلندارکان بوده باشد» (همان، ج ۲: ۸۵۴). شاه عباس برای تسهیل در رفت و آمد زوار «خیابانی از دروازه غربی شهر تا شرقی طرح فرمودند که از هر دو طرف بصحن مبارک» می‌رسید و از میان ایوان می‌گذشت. همچنین از آن جا که «ساکنان مشهد مقدس معلی و زوار روضه متبرکه از قلت آب در عذاب بودند آب از انهار سرچشمه جلست و قنوات مجدد احداث کرده آنحضرت بشهر درآورده نه‌ری در میان خیابان و حوضی بزرگ در وسط صحن موسع مذکور احداث فرمودند» در نتیجه این اقدامات شاه عباس، مشهد «معمورت‌ترین بلاد خراسان و رشک روضه رضوان» گشت (همان). صندوق طلای امام الجن و الانس، درب طلای روضه مقدسه مزبوره، ضریح طلای ایضاً ... عمارت دارالسیاده و دارالحفاظ آستانه مقدسه، نقره عتبه و ضریح فولادی روضه مقدسه مزبوره از دیگر اقدامات عمرانی شاه عباس در بارگاه رضوی است (مستوفی، ۱۳۷۵: ۱۰۲). در نتیجه این اقدامات و توجهات شاهان صفوی نه تنها بارگاه رضوی آبادتر و باشکوه‌تر شد، بلکه شهر مشهد نیز پیشرفت‌های زیادی کرد. با ایجاد بناهای مختلف و خیابان‌سازی و فراهم ساختن امکانات شهری و کوچانده شدن طوایف مختلف به خراسان از جمله به مشهد بر جمعیت آن نیز افزوده شد و وسعت و رونق مشهد بیش از پیش زمینه بهتری را برای جلب زوار و مسافران فراهم ساخت. در این دوره به واسطه توجه شاهان و امرای

صفوی و شیعیان علاقه‌مند به توسعه اماکن اطراف حرم مطهر و احداث ساختمان‌ها و بناهای مذهبی از جمله مساجد و مدارس توجه شایانی مبذول و مساجد و مدارس فراوانی در مشهد احداث شد؛ به گونه‌ای که تعداد بناهای دوره‌های قبل با بناهای ساخته شده در عهد صفویه قابل مقایسه نبود. از طرف دیگر با حضور بیشتر علمای برجسته تشیع، حوزه علمی مشهد بیش از پیش فعال شد و مشهد به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مراکز علمی مطرح گردید (زارعی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۱۱).

۴. اثر گذاری بارگاه رضوی بر منازعات بین صفویان و ازبکان

۴-۱. بهره‌گیری از ظرفیت‌های متنوع بارگاه رضوی در مواجهه با ازبکان

استفاده صفویان از ظرفیت‌های متنوع بارگاه رضوی در آوردگاه‌های نظامی با ازبکان، نمود عینی اثرگذاری حرم مطهر رضوی و شخصیت معنوی حضرت رضا (علیه السلام) در جریان منازعات بین دو حکومت است. اعتقاد شاهان صفوی و مریدان مخلص آن‌ها مبنی بر امدادهای غیبی ائمه معصومین در میادین نبرد که از طریق رؤیا و توسل نمود می‌یافت، از مشخصه‌های مهم نظامی عصر صفوی است. این اعتقاد در سه جنبه قابل بررسی است؛ در نخستین شیوه ائمه معصومین به ویژه حضرت علی (علیه السلام) در قالب رؤیا در پیشامدهای مهم مریدان خود را ارشاد می‌کردند. در توضیح این موضوع باید گفت که به طور کلی در تاریخ ایران رؤیاها اهمیتی ویژه داشته است. رؤیاها انواعی داشته و تفسیرهای مبتنی بر آن‌ها نیز متفاوت بوده است. بعضی از رؤیاها حالت شخصی داشته و دایره آن‌ها از رفتار خصوصی فرد تجاوز نمی‌کرد. بعضی از آن‌ها نوعی الهام درونی تلقی می‌شد. گروهی دیگر از رؤیاها جنبه‌های الهیات‌شناسی و علمی داشته؛ اما مهم‌ترین نوع رؤیاها آن‌هایی هستند که از آن‌ها به عنوان ابزار سیاسی با ادعای نوعی رهبری به منظور انجام فعالیت‌های آشکارا سیاسی استفاده می‌شد (صفت‌گل، ۱۳۸۱: ۱۳۵).

کارکردهای رؤیا در دوره صفوی از نوع سوم یعنی ابزاری برای فعالیت‌های سیاسی بود.

صفویان در موارد مختلفی همچون تقویت روحیه سربازان، اتخاذ راهبرد مناسب جنگ با دشمن، سرپوش نهادن به ترک مخاصمات، رهایی نیروهای خودی از محاصره دشمن و... از رؤیاهای بهره می‌بردند (احمدی، ۱۳۸۸: ۴۸ و ۴۹ و ۶۲ و ۶۳). این امر در دوره شاه اسماعیل و شاه طهماسب بیش از دیگر دوره‌ها رواج داشت. برخی تصمیمات کلان سیاسی و نظامی بر اساس رؤیاهای اتخاذ می‌شد و در بسیاری از مواقع رؤیا دیدن فرمانده کل را از بروز تنش با فرماندهان و مشاوران عالی‌رتبه رها می‌کرد (رازنهان و مشفق‌فر، ۱۳۹۴: ۱۱۴).

این امر به خوبی در دیدگاه سران قزلباش دربارهٔ مقابله با شیبک خان قبل و بعد از ماجرای کسب اجازه شاه اسماعیل از حضرت رضا (علیه السلام) نمایان است. سران قزلباش که حرکت به سمت مرو را در آن شرایط به مصلحت نمی‌دیدند بعد از آن که شاه اسماعیل ادعا کرد که از حضرت رضا (علیه السلام) کسب اجازه نموده به سجده افتادند و «روی خود را بر خاک آن روضه مقدسه نهاده گریه بسیار کردند و بعد از آن خندان و شکفته و خاطر جمع به جد گرفتند شاه را که ای شهریار توبه کردیم که دیگر آنچه مرشد بگوید و اراده کند ما را حد آن نباشد که تجاوز کنیم» (عالم‌آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۲۹۳-۲۹۱). شاهان صفوی از این روش که ریشه در اعتقادات و احساسات دینی سربازان شان داشت بهره فراوانی در عرصه‌های نظامی می‌بردند (مشفق‌فر، ۱۳۸۳: ۵۰). به نظر می‌رسد چنین کوشش‌هایی از نیازهای درونی شده‌ای برخاسته است که شاهان صفوی برای ماندگاری اقتدار معنوی خود به امدادهای نجات‌بخشانه آسمانی داشتند (فرهانی منفرد و خلیلی، ۱۳۸۹: ۹۵). گزارش‌های بسیاری دربارهٔ راهنمایی ائمه (علیهم السلام) به شاهان صفوی در قالب رؤیا در منابع این عصر آمده است. به ادعای کتاب عالم‌آرای شاه اسماعیل ترفندی که اسماعیل برای بیرون کشیدن شیبک خان از قلعه مرو در سال ۹۱۶ قمری اعمال کرد در نتیجه راهنمایی بوده که حضرت امیر (علیه السلام) در خواب به وی کرده بود (عالم‌آرای شاه اسماعیل، ۱۳۴۸: ۳۶۰-۳۶۱). راهنمایی‌های حضرت امیر (علیه السلام) به شاه اسماعیل از طریق رؤیا در پیشامدهای مهمی همچون نبرد با سپاه الوند میرزا ترکمان و اعلام تشیع به عنوان مذهب رسمی حکومت با تعبیر «ای فرزند دغدغه‌به خاطر مرسان» نیز خودنمایی می‌کند (عالم‌آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۸۰ و ۱۶۴).

در شیوه دوم شاهان صفوی با روش‌هایی همچون نوشتن شب‌نامه از امام رضا (علیه السلام) دربارهٔ اتخاذ یک تصمیم سیاسی و نظامی مهم کسب تکلیف می‌کردند. زمانی که قزلباش‌ها از خستگی راه و لاغری ستوران شکوه می‌کردند و رفتن به آوردگاه مرو را در آن شرایط به مصلحت نمی‌دیدند، شاه اسماعیل با بیان این‌که تدابیر آن‌ها خردمندانه است اظهار کرد که بین وی و حضرت رضا (علیه السلام) ارتباط خاصی وجود دارد و هر کاری انجام داده به رخصت او بوده و بر شما پوشیده است. سپس برای کسب اجازه از حضرت رضا (علیه السلام) شب‌نامه‌ای در داخل ضریح انداختند و در ضریح را قفل نمودند، صبح با این جواب مواجه می‌شوند که «رخصت است بروید که فتح و ظفر با شماست» (همان: ۲۹۳ - ۲۹۱).

در شیوه سوم که مرسوم‌تر و معقول‌تر نیز بود شاهان صفوی قبل از رویدادهای مهم نظامی به زیارت ائمه (علیهم السلام) به خصوص حضرت رضا (علیه السلام) رفته و استمداد می‌طلبیدند. منابع این عصر از استمداد شاه اسماعیل از امام رضا (علیه السلام) قبل از رویاری با شیبک خان در سال ۹۱۶ قمری یاد می‌کنند (ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۱: ۳۷؛ خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴: ۵۰۸؛ خواندمیر، ۱۳۷۰: ۱۳۰). طهماسب قبل از حضور در آوردگاه جام در سال ۹۳۵ قمری «از سر صدق نیت به روضه طیبه رضویه» رفت (جنابدی، ۱۳۷۸: ۳۹۵) و «از روح آن سلطان ... استمداد همت نموده» (ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۱: ۵۳) سپس «از روی وثوق تمام متوجه حرب سلاطین چنگیزی گردید» (همان: ۳۹۵). شاه عباس نیز قبل از رویاری‌های نظامی خود با ازبکان از روحانیت حضرت رضا (علیه السلام) کمک می‌طلبید (همان: ۶۷۸ و ۷۳۸). خود قزلباش‌ها نیز به کرامت خاندان صفوی اعتقاد داشتند و جدای از اعتقاد و باوری که به رؤیاهای شاهان صفوی داشتند این اعتقاد را به زبان نیز می‌آوردند به نحوی که دانه سلطان یکی از امرای قزلباش در این باره گفته بود «از این دودمان خلافت نشان چه کرامت‌ها و معجزه‌ها دیده‌ایم» (عالم‌آرای شاه اسماعیل، ۱۳۴۸: ۳۵۳). علاوه بر این واقع شدن بارگاه رضوی در مشهد خود به عامل مهمی در افزایش روحیه و توان دفاعی ساکنان این شهر در برابر مهاجمان ازبک تبدیل گشته بود، به گونه‌ای که در تهاجمات زیادی که به این شهر صورت می‌گرفت و گاه تا مدت هفت ماه نیز به طول می‌انجامید، انگیزه مقاومت مردم و خادمان حرم در دفاع از شهر بیشتر می‌شد؛ و «وضیع و شریف»

به دفاع برمی‌خاستند (عالم‌آرای شاه طهماسب، ۱۳۷۰: ۶۴). این مسئله به خوبی در نامه ابراهیم‌خان استاجلو به عبدالله‌خان ازبک نمودار است؛ آن‌جا که خان استاجلو می‌نویسد «هرگاه متوجه محاصره قلعه مشهد مقدس گردند استعداد قلعه‌داری در مردم این ولایت بیشتر است و جهت حفظ و حراست روضه مقدسه حضرت امام الجن والانس در قلعه‌داری زیاده از مردم هرات سعی و کوشش خواهند کرد» (ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۲: ۳۸۹). با این حال واقع شدن بارگاه رضوی در شهر مشهد موجب شده بود که صفویان به خاطر رعایت احترام و حرمت حضرت و آسیب نرسیدن به بارگاه در گشودن آن از سلاح‌های آتشین استفاده نکنند. ترکمان درباره علت خودداری شاه عباس از کاربرد سلاح آتشین در فتح مشهد به سال ۱۰۰۱ قمری می‌گوید: «آن بقعه شریف را دارالحرب ساختن و توپ و تفنگ بجانب شهر که روضه مطهر حضرت امام همام ثامن است و چند طرف بر باطل باشد انداختن مکروه طبع اشرف اعلی بود» (همان، ج ۲: ۴۵۴).

صفویان در مواقعی که با تنگناهای مالی مواجه می‌شدند از دارایی‌های متعلق به بارگاه رضوی به منظور تجهیز سپاه و دفع ازبکان بهره می‌بردند (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۸۳: ۱۹۹). امری که در اواخر دوره صفوی به منظور مقابله با شورش افاغنه هرات نیز تکرار شد (مستوفی، ۱۳۷۵: ۱۱۸-۱۱۹). حمل پرچم مخصوص بارگاه رضوی در میادین نبرد با ازبکان از دیگر ظرفیت‌های شخصیت معنوی حضرت رضا (علیه السلام) بود که صفویان از آن در مواجهه با مخالفان ازبک خویش بهره می‌بردند. در مقیاس کلی در دوره صفوی از درفش‌های مذهبی در جنگ‌ها استفاده می‌شد. درفش‌هایی که در این جنگ‌ها به کار گرفته می‌شد با درفش‌های سیاسی و حکومتی صفویان متفاوت بود و از آن‌جا که بیشتر جنگ‌های این دوره صبغه مذهبی و شیعی داشت، درفش‌های نظامی و جنگی می‌باید نشان‌دهنده این مبنای اعتقادی باشد (شاطری، ۱۳۹۵: ۱۶۷). جناب‌دی به ما اطلاع می‌دهد که در سال ۹۵۵ قمری به دنبال حمله جلال‌خان بن دین‌محمدخان حاکم مرو به خراسان «مرتضی‌قلی‌خان رایت میمنت آیت امام همام به دست خویش ارتفاع داده فوجی از آن مبارزان نامی قزلباش در ظل آن رایت میمنت آیت بر بادپایان برق رفتار ... به استقبال حمله ایشان مهمیز ستیز بر مراکب افشردند» (جناب‌دی، ۱۳۷۸: ۵۹۷).

نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که دو عامل اختلافات مذهبی و توسعه‌طلبی‌های ارضی ازبکان در شکل‌گیری روابط خصمانه بین صفویان و ازبکان نقش آفرینی کرده‌اند. ازبکان از سیاست‌های مذهبی صفویان ناراضی بوده و به دو صورت نظری و عملی مخالفت خود را با آن نشان دادند. جنبه نظری این مجادلات در قالب مکتوبات سیاسی که بین دو حکومت رد و بدل شد، نمود یافت و جنبه عملی آن در آوردگاه‌های نظامی خود را نشان داد. این تضاد عقیدتی و توسعه‌طلبی ارضی زمینه‌ساز تهاجمات گسترده‌ای از جانب ازبکان به خراسان گشت. در نتیجه این تهاجمات، سرزمین خراسان در دفعات مکرر پایمال سم ستوران مهاجمان ازبک گشت. در این بین تسلط بر مشهد به عنوان شهری که پایگاه ایدئولوژی صفویان در شرق محسوب می‌شد و بنا به ماهیت زیارتگاهی‌اش دارای‌های زیادی را به اشکال مختلف در خود جای داده بود، برای آن‌ها یک پیروزی بزرگ به حساب می‌آمد. در نتیجه حملات مکرری به این شهر انجام دادند. در جریان منازعات بین دو حکومت بارگاه رضوی نقش دوگانه‌ای ایفا کرد؛ یعنی هم از این منازعات تأثیر پذیرفت و هم بر روند آن‌ها اثر گذاشت.

دستبردهای مکرر ازبکان به بارگاه رضوی و شهر مشهد و قتل خدام و مجاوران حرم اثرپذیری منفی از این منازعات بود. با این حال لزوم حضور شاهان صفوی در خراسان به منظور دفع مهاجمان ازبک موجب رونق زیارت مشهد توسط شاهان صفوی شد. همچنین آن‌ها به منظور جبران دستبردهای ازبکان به بارگاه رضوی و اهمت‌هایی که به آباد کردن مشاهد مقدسه داشتند به بازسازی و توسعه حرم و گاه خود شهر مشهد نیز پرداختند؛ و بدین ترتیب اثرات مثبت این منازعات بر بارگاه رضوی نمودار شد. بارگاه رضوی در یک مورد مهم نیز بر روند این منازعات اثر گذاشت و صفویان توانستند به روش‌های مختلف از شخصیت معنوی حضرت رضا (علیه السلام) در آوردگاه‌های نظامی به منظور مقابله با مخالفان ازبک خویش بهره‌برداری کنند.

منابع و مأخذ

- افوشته‌ای نطنزی، محمد بن هدایت‌الله. (۱۳۸۳). *نقاوه‌الآثار*. به اهتمام احسان اشراقی. تهران: دانشگاه تهران.
- احمدی، نزهت. (۱۳۸۸). *رؤیا و سیاست در عصر صفوی*. تهران: نشر تاریخ ایران.
- اشرفی (خوانساری) (مترجم). *فرهنگ اوزان و مقادیر علمی و عملی بین‌المللی*. (بی‌تا). کرج: سازمان ملی استاندارد ایران.
- ایزدی، حسین. (۱۳۹۱). «شاهان صفوی و زیارت». *فصلنامه شیعه‌پژوهی*. سال دهم. ش ۳۹. صص: ۱۳۱-۱۵۱.
- امیرخانی، غلامرضا. (۱۳۹۰). «مکتوبات سیاسی و داعیه‌های مذهبی (بررسی نقش مذهب در روابط ایران و ماوراءالنهر در قرن ۱۰ و ۱۱ قمری)». *فصلنامه گنجینه اسناد*. س ۲۱. ش ۸۲. دفتر دوم (تابستان ۱۳۹۰). صص: ۴۴-۶۰.
- بارتولد، و. واسیلی. (۱۳۵۸). *تذکره جغرافیایی تاریخ ایران*. ترجمه حمزه سردادور. چاپ دوم. مشهد: توس.
- ترکمان، اسکندریگ. (۱۳۸۲). *عالم‌آرای عباسی*. تصحیح ایرج افشار. چاپ سوم. ج ۲ و ۳. تهران: امیرکبیر.
- تاورنیه، ژان باتیست. (بی‌تا). *سفرنامه*. ترجمه ابوتراب نوری. با تجدید نظر کلی و تصحیح حمید شیرانی. چاپ دوم. تهران: کتابخانه سنائی و کتاب‌فروشی تأیید اصفهان.
- جنابدی، میرزایگ. (۱۳۷۸). *روضه‌الصفویه*. به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- جعفریان، رسول. (۱۳۷۳). *میراث اسلامی ایران*. ج ۳. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- حاجیان‌پور، حمید. (۱۳۷۶). «ایران و جهان در بامداد صفویان». *کیهان اندیشه*. ش ۷۶. صص: ۴-۱۹.
- حسینی استرآبادی، سید حسین بن مرتضی. (۱۳۶۴). *تاریخ سلطانی (از شیخ صفی‌تاشاه صفی)*. به کوشش احسان اشراقی. تهران: علمی.
- خنجی، فضل‌الله بن روزبهان. (۱۳۵۵). *مهمان‌نامه بخارا (تاریخ پادشاهی محمد شبیبانی)*. به اهتمام منوچهر ستوده. چاپ دوم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- خواندامیر، امیر محمود. (۱۳۷۰). *ایران در روزگار شاه اسماعیل و شاه‌طهماسب*. به کوشش غلامرضا طباطبایی. تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین. (۱۳۸۰). *حبیب‌السیر فی اخبار افراد البشر*. تصحیح محمد دبیرسیاقی. تهران: خیام.
- روملو، حسن بیگ. (۱۳۵۷). *احسن‌التواریخ*. به کوشش عبدالحسین نوایی. تهران: بابک.
- رازنهان، محمدحسن؛ مشفق‌فر، ابراهیم. (۱۳۹۴). «ارزیابی نقش مؤلفه‌های دینی در توان نظامی حکومت صفوی». *مطالعات تاریخ اسلام*. س ۷. ش ۳۷. صص: ۱۰۷-۱۳۷.
- رحمانیان، داریوش؛ شهسواری، ثریا. (۱۳۹۱). «جایگاه عتبات عالیات در مناسبات ایران و عثمانی عصر قاجار مطالعه موردی: (زوار و حمل جناز)». *مطالعات تاریخ فرهنگی*. (پژوهشنامه انجمن ایرانی تاریخ). س ۴. ش ۱۳. صص: ۱-۲۰.
- زارعی، علی؛ هاشمی‌زوج‌آباد، حسن؛ مسعودی، ذبیح‌الله. (۱۳۹۵). «نقش و جایگاه حرم مطهر رضوی در شکل‌گیری و تکامل حیات شهری مشهدالرضا». *فصلنامه خراسان بزرگ*. س ۷. ش ۲۳. صص: ۱۰۵-۱۱۵.
- سرافرازی، عباس؛ لعل شاطری، مصطفی. (۱۳۹۳). «سیاست مذهبی شاه اسماعیل اول صفوی و تأثیر آن بر مناسبات فکری ایران و عثمانی». *پژوهشنامه تاریخ*. س ۹. ش ۳۶. صص: ۷۶-۹۱.
- سیدی، مهدی. (۱۳۷۸). *تاریخ شهر مشهد (از آغاز تا مشروطه)*. تهران: جامی.

- شاطری، میترا. (۱۳۹۵). «تأملی بر کارکردشناسی درفش‌های دوره صفوی». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران. ش ۱۱. دوره ۶. صص: ۱۶۳-۱۷۶.
- شاملو، ولی‌قلی خان بن داوودقلی. (۱۳۷۱). *قصص الخاقانی*. تصحیح سید حسن سادات ناصری. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شفق‌فر، ابراهیم. (۱۳۸۳). «حفظ سرزمین و تأثیر برخی مؤلفه‌های مذهبی در دوره صفویه». فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج. ش ۲۵. صص: ۴۵-۷۲.
- صفت‌گل، منصور. (۱۳۸۸). *فراز و فرود صفویان*. تهران: کانون اندیشه جوان.
- _____ (۱۳۸۱). *ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی (تاریخ تحولات اندیشه دینی ایران در سده‌های دهم تا دوازدهم هجری قمری)*. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- *عالم‌آرای شاه اسماعیل*. (۱۳۴۸). با مقدمه و تصحیح و تعلیق اصغر منتظر صاحب. تهران: علمی و فرهنگی.
- *عالم‌آرای شاه طهماسب (زندگی داستانی دومین پادشاه صفوی)*. (۱۳۷۰). به کوشش ایرج افشار. تهران: دنیای کتاب.
- *عالم‌آرای صفوی*. (۱۳۵۰). به کوشش یدالله شکری. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- فرهانی منفرد، مهدی؛ خلیلی، نسیم. (۱۳۸۹). «اندیشه موعودگرایی در دوره صفویه». فصلنامه تاریخ اسلام و ایران. دوره جدید. س ۲۰. ش ۸. پیاپی ۸۹. صص: ۸۸-۱۱۳.
- قانطان، اصغر؛ امامی، محمدتقی؛ دوغان، اسرا. (۱۳۹۲). «جایگاه حج در مناسبات ایران و عثمانی در عصر قاجار». *مطالعات تاریخ اسلام*. س ۵. ش ۱۷. صص: ۱۴۲-۱۱۷.
- کمپفر، انگلبرت. (۱۳۶۰). *سفرنامه*. ترجمه کیکاووس جهاننداری. تهران: خوارزمی.
- متولی، عبدالله؛ اصلانی، ابراهیم؛ فضلی، فاطمه. (۱۳۹۳). «پيامدهای تهاجمات ازبکان بر منطقه خراسان در دوره صفوی». *فصلنامه پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران*. س ۲. ش ۲. (پیاپی ۴). بهار و تابستان ۱۳۹۳. صص: ۱۴۴-۱۶۱.
- متی، رودلف. پ. (۱۳۸۷). *اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی*. ترجمه حسن زندیه. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- مستوفی، محمدمحسن. (۱۳۷۵). *زنده‌التواریخ*. به کوشش بهروز گودرزی. تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- معصوم، میرزاحمد. (۱۳۵۱). *تاریخ سلاطین صفویه*. به سعی و اهتمام امیرحسین عابدی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- منجم، ملاجلال‌الدین. (۱۳۶۶). *تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال*. به کوشش سیف‌الله وحیدنیا. تهران: وحید.
- نوایی، عبدالحسین. (۱۳۶۸). *ایران و جهان*. ج ۲. تهران: هما.